



درس هفدهم، هجدهم و نوزدهم:

۱. چینش بر اساس تأثیر گذاری

۲. چینش بر اساس اجرای سخن

پژوهش و تدوین: حسین ملانوری

گروه علمی مهارت‌های خطابی

درس هفدهم

اهداف این درس

هدف از این درس، آشنایی با موارد ذیل است:

۱. نقش راه‌های تأثیر گذاری بر اندیشه، احساس و گرایش، در چینش مطالب؛

۲. چینش بر اساس اجرای سخن؛

۳. اجزای سخنرانی از نظر قدها؛

۴. برخی از اجزای سخنرانی دینی.

\*

\*

\*

چینش بر اساس تأثیر گذاری

گاهی از زاویه تأثیر گذاری بر مخاطب، به مطالب سخنرانی می‌نگریم و بر این اساس، دقت لازم را در چینش مطالب به کار می‌گیریم. با توجه به اینکه فصل مستقلی را به راه‌های تأثیر گذاری در دو حوزه «اندیشه» و «احساس و هیجان و

گرایش» اختصاص داده‌ایم، در اینجا از آن بحث نمی‌کنیم و فقط همین نکته را متذکر می‌شویم که هنگام چینش مطالب باید به آن راهها نیز توجه خاص داشت؛ مثلاً اگر راههایی را برای ایجاد انگیزه در ابتدای سخنرانی بیان می‌کنیم، طبعاً باید در چینش مطالب نیز مطالبی را برای انگیزه‌سازی در ابتدای سخنرانی قرار دهیم، و یا اگر برای زیباسازی سخن، دسته‌بندی مناسب را پیشنهاد می‌کنیم، باید در چینش مطالب نیز آن را رعایت کنیم و...

### چینش براساس اجزای سخن

بعضی از قدما خطابه را شامل چهار جزء می‌دانستند و برخی نیز آن را به پنج جزء تقسیم می‌کردند و مطالب خود را براساس آن اجزا چینش می‌کردند.

ارسطو خطابه را به چهار جزء تقسیم کرده است که عبارت‌اند از:

۱. مقدمه؛

۲. عرض (طرح موضوع سخن و پرورش آن)؛

۳. تدلیل (اقامه دلیل برای اثبات مدعا)؛

۴. خاتمه (حسن ختام).

بعضی جزء دیگری به نام «تفنید» بر آن افزوده‌اند. منظور آنان از تفنید، مناقشه آرا و عقاید مختلف برای ابطال مدعا و دلایل طرف مقابل است.<sup>۱</sup>

افلاطون، خطابه را به پنج قسمت تقسیم کرده است. او در رساله «فدروس» برای هر خطابه، پنج قسمت: مقدمه، بیان مطلب، تشریح استدلال و برهان، بیان قرائن و امارات، و خاتمه یا تکرار و مرور بر مطالب را ضروری می‌داند.<sup>۲</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر ر. ک: اصول و مبادی سخنوری، محمدباقر شریعتی سبزواری، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۶، صص ۲۱۸ - ۲۵۲.

۲. دوره آثار افلاطون (فدروس)، افلاطون، ترجمه محمدحسن لطفی، ص ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲، به نقل از: آئین سخنوری و نگرشی بر تاریخ آن، علی‌اکبر ضیایی، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، تهران،

۱۳۷۳، ص ۱۰۴.

اهداف و انگیزه‌های خطابه در دوران گذشته، مخصوصاً در دوران ارسطو و یونان باستان که بیش‌تر برای اثبات حقانیت خود و ابطال اندیشه‌های مخالفان بود، مستلزم چینش و اجزای خاصی برای سخنرانی می‌شد. با توجه به اینکه اهداف سخنرانی دینی فراتر از خطابه یونانی و ارسطویی است، و همچنین آداب و رسوم اسلامی متفاوت از آداب و اعمال دیگر ملل و مکاتب است، می‌توان برای سخنرانی دینی، اجزای زیر را برشمرد و سخنرانی را براساس و به ترتیب آنها چیش کرد:

۱. خطبه؛

۲. مقدمه؛

۳. متن (میانه سخن)؛

۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی؛

۵. نقطه اوج؛

۶. دعا.

۱. خطبه

اهمیت خطبه

خطبه‌خواندن در آغاز سخنرانی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا الف. چنان‌که اشاره خواهد شد دارای مضامینی است که هر یک از آنها مهم، و برخی از آنها به تصریح روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام برای شروع هر کاری لازم و ضروری است. ب. سیره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام بر خواندن خطبه در ابتدای سخنرانی جاری بوده است.

ج. خطبه، سبب آمادگی مخاطب و مقدمه‌ای برای ایجاد تمرکز در اوست.

د. خطبه به نوعی اعلام موضع خطیب است و با مطالبی که در آن بیان می‌شود نوع عقیده و مذهب او را مشخص می‌سازد.

در موارد بسیار اندکی ممکن است سخنران، خطبه را حذف کند؛ مثل اینکه مخاطبان اصلاً حوصله شنیدن آن را ندارند و در صورت قرائت خطبه، به دلیل بی‌انگیزگی، جلسه را ترک می‌کنند یا به علت حوادث خاص تاریخی، یا تأثیرگذاری احساسی پیش‌تر در مخاطب، چنین امری صورت می‌گیرد؛ برای نمونه، سخنرانی مشهور حضرت امام خمینی علیه السلام را در ۱۳۴۲ می‌توان برشمرد.

بنابراین تا سرحد امکان نباید خطبه فراموش شود؛ چنان‌که اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام نیز چنین بوده و خطبه را حتی در شرایط بسیار سخت، فراموش نکرده‌اند.

#### حجم خطبه

حجم خطبه با توجه به موارد ذیل در نظر گرفته می‌شود:

۱. مدت زمان سخنرانی: به صورت طبیعی، سخنرانی کوتاه، نیازمند خطبه کوتاه و سخنرانی طولانی، نیازمند خطبه طولانی‌تر است.

۲. انگیزه‌های دینی و غیردینی و حوصله مخاطب: اگر مخاطب، غیرمذهبی و برای استماع خطبه و سخن بی‌انگیزه باشد، باید خطبه را مختصر کرد؛ زیرا در غیر این صورت فرصت مناسبی برای برهم زدن جلسه یا از دست دادن انگیزه خود خواهد داشت؛ برای مثال، دانش‌آموزان مدارس در اکثر مواقع، انتظار و حوصله چندانی برای شنیدن خطبه ندارند.

#### محتوای خطبه

خطبه شامل موارد ذیل است:

۱. شروع با نام خدا و تمسک به نام پروردگار که مایه برکت است. در فرهنگ اسلامی، انسان مسلمان هر اقدامی را با نام خداوند آغاز می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در

موارد مختلف و با تعابیر گوناگون، مسلمانان را به این موضوع راهنمایی فرموده که هر گفتار و کردار ارزشمندی را با یاد و نام خدای متعال آغاز کنند؛ چنان‌که فرموده است: «كُلُّ كَلَامٍ أَوْ أَمْرٍ ذِي بَالٍ لَا يُفْتَحُ بِذِكْرِ اللَّهِ فَهُوَ أَهْتَرُ»<sup>۱</sup> هر گفتار و کردار ارزشمندی که با نام و یاد خداوند متعال شروع نشود، ناتمام و اہتر است.

۲. حمد و ثنای الهی که عامل جلب رحمت خداوندی است و روحیه شکرگزاری و سپاس را در گوینده و شنونده زنده می‌کند. سخنران دینی پس از یاد و نام خداوند، حمد الهی را بر زبان جاری می‌سازد و در آغاز سخن، کلام خود را با ذکر حمد زینت می‌بخشد. در حدیث آمده است که «كُلُّ كَلَامٍ لَمَّا يُبْدَأُ فِيهِ بِالْحَمْدِ فَهُوَ أَقْطَعُ»<sup>۲</sup> هر سخنی که با حمد و سپاسگزاری از خداوند آغاز نشود، ناتمام و ناقص است. اهتمام به این امر از اولین خطبه‌های نماز جمعه رسول خدا ﷺ<sup>۳</sup> و نیز در خطابه‌های امام علی علیه السلام و امامان دیگر مشهود است.

۳. درود و سلام بر پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت معصوم او که نشانه تولی است. خداوند، همراه فرشتگان بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند و از مؤمنان می‌خواهد از خداوند و فرشتگان تبعیت کنند و بر پیامبر عظیم الشان درود فرستند:

۱. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل، مؤسسه قرطبه، مصر، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۹.

۲. بحار الانوار، علامه مجلسی، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ ق، ج ۹۰، ص ۲۱۶.

۳. پیامبر اکرم ﷺ اولین خطبه نماز جمعه خود را در مسجد قبا چنین آغاز کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْمَدُهُ وَاسْتَعِينُهُ وَاسْتَغْفِرُهُ وَاسْتَهْدِيهِ وَأُؤْمِنُ بِهِ وَلَا أَكْفُرُهُ وَأَعَادِي مَنْ يَكْفُرُهُ وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ...» (بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۲۳۲)

۴. برای نمونه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنُؤْمِنُ بِهِ وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَشَهِدَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ...» (من لايحضره الفقيه، شيخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۳۲).

﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾<sup>۱</sup> «همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند. ای مؤمنان! شما نیز بر پیامبر درود بفرستید و بر او سلامی کامل و نیکو کنید.»

امام علی علیه السلام که خود از اهل بیت بود، در خطبه، بر پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درود می فرستاد. به این نمونه توجه کنید: «وَأَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُصْطَفَى وَ رَسُولُهُ الْمُجْتَبَى وَ أَمِينُهُ الْمُرْتَضَى أُرْسِلَهُ بِالْحَقِّ بِشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ دَاعِيًا إِلَيْهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا فَبَلَغَ الرُّسَالَهَ وَ أَدَّى الْأَمَانَةَ وَ نَصَحَ الْأُمَّةَ وَ عَبَدَ اللَّهَ حَتَّى آتَاهُ الْيَقِينَ فَصَلَّى اللَّهَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي الْأَوَّلِينَ وَ صَلَّى اللَّهَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي السَّخِرِينَ وَ صَلَّى اللَّهَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَوْمَ الدِّينِ»<sup>۲</sup>

۴. لعن و نفرین دشمنان پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت گرامیش که نشانه تبری می باشد. برائت از دشمنان اهل بیت صلی الله علیه و آله و قاتلان و ظالمانی که علیه خداوند و دین تلاش کردند، یکی از راههای تقرب به خدا و اهل بیت صلی الله علیه و آله است؛ چنانکه در زیارت عاشورا خطاب به امام حسین علیه السلام می گوئیم: «يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِلَى فَاطِمَةَ وَ إِلَى الْحَسَنِ وَ إِلَيْكَ بِمَوْلَاتِكَ وَ بِالسَّبْرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ وَ بَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ وَ جَرَى فِي ظَلَمِهِ وَ جَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَشْيَاعِكُمْ»<sup>۳</sup> ای ابا عبدالله! من تقرب می جویم به خدا و به رسول او و به امیر مؤمنان و به فاطمه و به حسن و به تو، به وسیله موالات و دوستی تو و به وسیله برائت [و بیزاری] جستن از هر کس که پایه و ساختمان ظلم و ستم را بنا نهاد و بر شما و شیعیانتان ظلم و ستم کرد.»

۱. احزاب/۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۲۳۴.

۳. مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، نشر الهادی، چاپ اول، قم، ۱۳۷۹، زیارت عاشورا، ص ۸۰۳.

به نشانه برائت از دشمنان اهل بیت علیهم السلام که بر آنان ظلم و ستم روا داشتند، آنها را لعن می‌کنیم؛ چنانکه در همین زیارت می‌خوانیم: «فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْاَيْتَةِ...»<sup>۱</sup> پس خداوند لعنت کند گروهی را که اساس ظلم و ستم را بر شما اهل بیت بنیان نهادند...»

جا دارد سخنران دینی در آغاز سخنرانی، موضع خود را در مقابل دشمنان خدا و رسول، و خاندان آن حضرت روشن سازد.

#### تناسب خطبه

شایسته و زیبنده است که خطبه متناسب با محتوای بحث در سخنرانی انتخاب گردد؛ مثلاً اگر بحث ما اخلاقی و موضوع آن، عفو و گذشت است، خطبه‌ای انتخاب شود که از عفو و گذشت الهی سخن می‌گوید و به خاطر آن از خدا تشکر و سپاسگزاری می‌شود، و یا اگر بحث اعتقادی است، خطبه نیز با مضامین اعتقادی انتخاب شود. نمونه‌هایی از خطبه‌ها را می‌توان از نهج البلاغه امیرالمؤمنین علیه السلام و یا خطبه‌های معصومان دیگر انتخاب نمود.

بعضی از نویسندگان نیز انواع خطبه‌ها را جمع‌آوری کرده و جهت استفاده مبلغان محترم منتشر نموده‌اند.<sup>۲</sup> گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
راهنمای مبلغان محترم  
حتی به صورت شعر خوانده شود. تناسب از این جهت نیز در بعضی از موارد ضروری می‌باشد.

۱. همان، ص ۸۰۲.

۲. یکی از این نمونه‌ها کتاب «خطب المنابر» است. هرچند این کتاب همه انواع خطبه در همه موضوعات را ندارد؛ ولی تا حدی می‌تواند راهگشا باشد.

به دلیل اهمیت خطبه، شایسته است حتی الامکان خطبه‌هایی انتخاب شود که مآثور باشند، تا از نظر صحت مضامین و ادبیات و فصاحت و بلاغت مشکلی ایجاد نشود.

#### ۲. مقدمه

مقدمه سخنرانی در واقع پیشانی سخنرانی و اولین جایی است که گوینده به لحاظ محتوایی با شنونده ارتباط برقرار می‌کند و از این جهت تأثیرگذاری زیادی در جذب یا دفع مخاطبان دارد. از آنجا که مقدمه سخنرانی مطلع کلام است، باید تا سرحد امکان زیبا ارائه شود. استفاده از تعابیر و الفاظ زیبا و در عین حال مختصر و روان در این خصوص بسیار کارساز است.

گاهی نیز مجبور می‌شویم بعضی از مباحث و موضوعات تکراری را مطرح کنیم؛ از اینرو استفاده از مقدمات زیبا می‌تواند دافعه تکراری بودن را کاهش داده و سخن را جذاب کند.

در طرح مقدمه، هم عجله بی‌جا مضر است و هم تأنی و کندگی بی‌جا. گاهی کندگی، عامل از دست دادن مخاطب است و گاه عجله باعث ورود نامناسب به بحث، همراه با عدم آمادگی مخاطب می‌شود.

یک نکته قابل توجه درباره مقدمه این است که راههای ایجاد انگیزه برای پی‌گیری مطلب در ابتدای سخن، بخشی از مقدمه است نه همه آن؛ از اینرو اولاً: مقدمه‌چینی منحصر در راههای مطرح شده نیست، و ثانیاً: باید با توجه به جایگاه مقدمه در سخنرانی، به لحاظ حجم مطالب و نوع آن، از راههای ایجاد انگیزه استفاده کرد.

#### اهداف مقدمه

اهداف بیان مقدمه عبارتند از:



۱. آماده سازی مخاطب و ایجاد حوصله در او جهت استماع بحث

گاهی شنوندگان از جهت احساسی نسبت به یک بحث بی‌رغبت‌اند و گاهی به لحاظ فکری و ذهنی آمادگی لازم را جهت شنیدن و پذیرش آن ندارند. این عدم آمادگی گاه به خاطر تشتت و پراکندگی ذهنی و گاهی به خاطر سنگین بودن مطلب است که نیاز به چیش مقدماتی برای روان شدن آن دارد.

استفاده از راههای برانگیختن کنجکاوی و انگیزه استماع و پی‌گیری مطلب در مخاطب، برای رسیدن به این هدف بسیار مناسب است.

۲. تشبیت جایگاه گوینده در نزد مخاطب

گاهی سخنران احساس می‌کند به هر دلیلی در نزد مخاطب خود جایگاهی ندارد. نداشتن جایگاه در نزد مخاطب به عوامل زیادی مثل عدم شناخت از سخنران، تبلیغات منفی مخالفان، هاله منفی اطراف سخنران و بد بودن وضعیت بستگان او، بستگی دارد. سخنران در مقدمه سخنرانی باید سعی کند این مشکل را برطرف نماید.

بعضی از روشهای ایجاد انگیزه برای پی‌گیری مطلب؛ مثل روش تکریم و تحسین، یا بیان ضرورت مطلب در بعضی از صورتهای آن، سخنران را برای رسیدن به این هدف یاری می‌رساند.

۳. متن (میانه سخن)

هدف اصلی سخنرانی، در متن تأمین می‌شود؛ از اینرو باید زمان بیش‌تری را به آن اختصاص داد. و اگر گاهی مقدمه سخنرانی در روش «مقدمه‌چینیهای متوالی» طولانی می‌شود، از باب ضرورت بوده و بسیار نادر است.

از آنجا که تأثیرگذاری در اندیشه، احساس و رفتار، بیش‌تر در متن تحقق می‌یابد، لازم است از روشهای مناسب هر کدام بیش‌تر در این قسمت استفاده

شود. اگر در مقدمه به نوعی تأثیرگذاری در حس یا اندیشه وجود دارد، از باب آماده‌سازی مخاطب است و نباید به عنوان هدف اصلی سخنرانی تلقی شود. سخنران، پس از آماده‌سازی مخاطب در مقدمه، بیش‌ترین تأثیرگذاری را در متن سخنرانی بر روی او انجام داده و در بخش پایانی و نقطه اوج، این تأثیرگذاری را به اوج می‌رساند. و اگر چه در نقطه اوج و حسن ختام، تأثیرگذاری بر احساسات مخاطب به اوج می‌رسد؛ ولی کار اصلی آن در متن صورت می‌گیرد.

متن سخنرانی براساس قالبهای چینی سخن، اسلوبهای سخنرانی و روشهای تأثیرگذاری در دو حوزه اندیشه، و احساس و میل و گرایش و استفاده از مواد مناسب با شرایطی که پیش‌تر بیان شد، و یا پس از این ارائه خواهد شد، تنظیم می‌گردد.

در بخش پایانی متن سخنرانی لازم است برای به اوج رسانی اثرگذاری احساسی مقدمه‌سازی شود که در قسمت نقطه اوج توضیح داده خواهد شد.

#### ۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

جزء چهارم سخنرانی، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب بیان شده در متن است که با توجه به اهداف ذیل به آن پرداخته می‌شود:

۱. فهم بیش‌تر مخاطب؛
۲. ماندگاری پیام؛
۳. زمینه‌سازی برای بحثهای بعدی؛
۴. قابلیت انتقال پیدا کردن مطالب توسط مخاطبان.

جمع‌بندی بحث باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که در به اوج رسانی احساسی  
اخلال ایجاد نکند. به عنوان نمونه، زیاد طول کشیدن جمع‌بندی ممکن است این  
مشکل را پدید آورد.

همچنین لازم است حتی المقدور الفاظ و عبارات استفاده شده در جمع‌بندی،  
تکرار الفاظ و عبارات متن سخنرانی نباشد؛ بلکه با الفاظ و عبارات جدید  
صورت گیرد تا به نوگرایی مخاطب لطمه وارد نکند و احساس تکرار در او  
بوجود نیاید.

شایان توجه است که ضرورت ندارد در همه سخنرانیها جمع‌بندی و  
نتیجه‌گیری داشته باشیم. بحثهایی که از دسته‌بندی مناسبی برخوردار باشند، خود  
به خود روشن هستند و ما را به هدف می‌رسانند.

#### پرسشنامه:

۱. نقش راههای تأثیرگذاری در اندیشه، احساس و گرایش بر چینش مطالب  
را با یک مثال بیان کنید.
۲. قدام خطابه را شامل چند جزء می‌دانستند؟
۳. اجزاء سخنرانی دینی را نام ببرید.
۴. خطبه در سخنرانی چه اهمیتی دارد؟
۵. حجم خطبه با توجه به چه چیزهایی در نظر گرفته می‌شود؟
۶. خطبه شامل چه چیزهایی است؟ توضیح دهید.
۷. اهداف بیان مقدمه را بنویسید.
۸. در متن سخنرانی چه اقداماتی صورت می‌گیرد؟
۹. هدف از نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب سخنرانی چیست؟

۱۰. در جمع‌بندی مطالب چه نکاتی باید رعایت شود؟

تمرین و تلاش بیش‌تر

۱. در صورتی که اجزاء پیشنهادی برای سخنرانی دینی را نمی‌پسندید، با کمک دوستان خود پیشنهاد دیگری بدهید و آن را با حضور استادان به بحث بگذارید.

۲. برای پنج موضوع و مناسبت، پنج خطبه متناسب، با استفاده از خطبه‌های امامان معصوم علیهم‌السلام فیش‌نویسی کنید.

درس هجدهم

اهداف این درس

۱. تعریف و بیان جایگاه نقطه اوج در سخنرانی؛

۲. تبیین فواید، کارکردها و اجزاء نقطه اوج؛

۳. آشنایی با راههای ایجاد اوج تأثیرگذاری در قسمت‌های پایانی متن سخنرانی.

اشاره

در درس گذشته با چهار جزء از اجزاء سخنرانی دینی یعنی «خطبه»، «مقدمه»، «متن» و «نتیجه‌گیری و جمع‌بندی» آشنا شدیم. و اینک جزء پنجم را که «نقطه اوج» یا «حسن ختام» است توضیح می‌دهیم.

۵. نقطه اوج (حسن ختام)

مراد از نقطه اوج، نقطه اوج تأثیرگذاری در احساس و گاه در اندیشه و رفتار است که البته امکان دارد گاهی تأثیرگذاری در اندیشه، احساس و رفتار نیز با هم جمع شوند.

در فیلمها و سریالهای تلویزیونی همواره تلاش می‌شود که لحظه جدا شدن از مخاطب، فیلم و سریال در اوج تأثیرگذاری احساسی باشد. مثلاً این صحنه به

نمایش گذاشته می‌شود که شخصی اسلحه را به سوی قهرمان محبوب فیلم نشانه رفته و حتی شلیک هم می‌کند؛ اما نتیجه کار در هاله‌ای از ابهام می‌ماند که آیا به هدف اصابت کرد یا خیر؟ آیا قهرمان فیلم مجروح و یا کشته شد یا نه و...، و این صحنه با نورپردازی و موزیک خاصی اجرا می‌شود؛ به گونه‌ای که بیننده در اوج احساس قرار می‌گیرد و در همین جا این قسمت از سریال پایان می‌یابد و تماشا کننده باید ادامه ماجرا را در قسمت بعدی ببیند. همین کار عامل جذب مخاطب برای تماشای قسمتهای بعدی سریال است؛ از اینرو سریالها عمدتاً به قطعات مساوی از جهت زمان تقسیم نمی‌شوند؛ زیرا ممکن است نتوان در زمان خاص، اوج اثرگذاری احساسی را ایجاد نمود.

سخنران نیز بهتر است نقطه جدا شدن خود از مخاطب را در زمان اوج تأثیرگذاری قرار دهد که معمولاً در سخنرانی دینی این هدف در روضه و ذکر مصیبت تأمین می‌شود. و البته باید مقدمات آن در «بخشهای پایانی سخنرانی» و «گریز» فراهم آید. در صورتی که یک سخنرانی به خاطر مناسبت یا شرایط خاص، فاقد روضه خوانی باشد، می‌توان نقطه اوج را در متن سخنرانی و در قسمت پایانی آن تعبیه کرد تا کارکردها و اهداف نقطه اوج، متناسب با محتوای سخن و شرایط زمانی و مکانی سخنرانی تحقق یابد.

در سخنرانیهای معمول مذهبی، «قسمتهای پایانی متن سخنرانی»، «گریز» و «ذکر مصیبت»، مجموعاً بستری را فراهم می‌نماید که اثرگذاری احساسی در آن به اوج می‌رسد. از اینرو در چنین مطالب سخنرانی، می‌توان این سه قسمت را از اجزاء نقطه اوج به حساب آورد و همه آنها را با هم تحت عنوان «نقطه اوج» یا «حسن ختام» نام گذاری کرد.

لازم به ذکر است که گاهی اوج تأثیرگذاری در متن سخنرانی هم وجود دارد و مثلاً در وسط سخنرانی نیز صورت می‌گیرد؛ ولی به عنوان یک جزء اساسی بهتر است که در پایان سخنرانی باشد و اگر در وسط سخنرانی و یا حتی در مقدمه نیز اتفاق افتاد، باید نقطه اوج پایانی قوی‌تر باشد تا به اهداف و فواید نقطه اوج برسیم.

#### فواید و کارکردهای نقطه اوج

نقطه اوج دارای فواید و کارکردهای ذیل است:

۱. شیرین شدن ذائقه مخاطب و ایجاد بهره و حظ فوق العاده معنوی در وی.
۲. ایجاد انگیزه در مخاطب جهت شرکت در جلسات بعدی به خاطر باقی ماندن خاطره خوش از جلسه قبل. این انگیزه در جلسات مسلسل موجب حفظ جمعیت مخاطبان و خلوت نشدن جلسات بعدی است.

#### اجزاء نقطه اوج

چنانکه اشاره شد، نقطه اوج در پایان سخنرانی دینی، معمولاً از سه بخش اساسی تشکیل می‌شود که عبارتند از:

الف. بخش پایانی متن سخنرانی؛ *انسانی و مطالعات فرهنگی*

ب. گریز؛ *پرتال جامع علوم انسانی*

ج. ذکر مصیبت.

الف. قسمتهای پایانی متن سخنرانی

در قسمتهای پایانی متن سخنرانی، از راههای زیر می‌توان برای ایجاد اوج در تأثیرگذاری احساسی اقدام کرد.

۱. انتخاب نکته‌های بدیع و بکر برای انتهای بحث؛ به عنوان مثال اگر در بحث از زیباییهای دین، از حکمت احکام می‌گوییم، اشاره به مهم‌ترین حکمت را در پایان

داشته باشیم؛ مثلاً در موضوع نگاه به نامحرم، این حکمت را که نگاه به نامحرم موجب افسردگی می‌شود، در پایان ذکر کنیم.

یا اگر در مورد حکمت ذکر و تسبیح و قرائت قرآن سخنرانی می‌کنیم، در پایان سخن به این حکمت اشاره کنیم که این ذکرها بر روی سلولهای بدن انسان اثر مثبت می‌گذارند و ماجرای شهادت آب را بیاوریم.<sup>۱</sup>

بدیع و بکر و مهم بودن نکته، با توجه به مخاطب سنجیده می‌شود و باید از نگاه او چنین باشد.

۱. یک محقق ژاپنی به نام دکتر «ایموتو» به تفاوت‌های جالب توجهی در ساختار کریستالی آب دست یافته است که از منابع گوناگون و شرایط مختلف در روی کره زمین تهیه شده‌اند. آبی که از نخستین محل خود از کوه جاری می‌شود و چشمه‌هایی که جاری هستند، طرح‌های هندسی بسیار زیبایی از الگوهای کریستالی شده خود ارائه می‌دهند. آب آلوده و سمی که از نواحی پرجمعیت و صنعتی به دست آمده است و آب راکد سدهای ذخیره، به صراحت ساختارهای کریستالی تغییر یافته آب را نشان می‌دهد.

«ایموتو»، تغییرات مولکولی آب را به وسیله تکنیک‌های عکسبرداری و مشاهده میکروسکوپی به صورت سند و مدرک درآورده است. به این صورت که وی قطراتی از آب را به صورت یخ درآورده و سپس آنها را در یک فضای تاریک میکروسکوپی مورد آزمایش که از قابلیت‌های عکاسی برخوردار بوده، قرار داده است. تحقیقات وی، آشکارا تغییر شکل ساختار مولکول آب را به نمایش گذاشته است و اثر محیط بر ساختار آن را نشان می‌دهد.

همچنین دانش‌آموزی به نام حمیده بی طرف در ایران، به بررسی تأثیر انواع صدا و نوشته بر مواد مختلف پرداخته و ضمن اشاره به اثر عوامل مذکور بر ساختار مواد در حالت مایع، تأثیر آن را در ساختار حالت جامد مواد مختلف مانند: یخ، آلیاژ قلع، چبوه، نبات و سولفات مس نشان می‌دهد. دانه‌بندی مواد وقتی در حالت مایع در معرض صدای دلنشین، و نوشته با مفاهیم خوب قرار می‌گیرد، حالت منظم و در مقابل صدای ناهنجار، موسیقی تند یا نوشته با مفاهیم بد حالت نامنظم، و در معرض آهنگ مذهبی (صوت قرآن) و نوشته‌های مذهبی، منظم‌ترین و زیباترین حالت خود را به دست می‌آورد.

برای اطلاع بیشتر در این خصوص، می‌توان از سی دی مربوطه یا مطالبی که در اینترنت آمده است، استفاده کرده ([www.Shahadat-ab.mycloob.com](http://www.Shahadat-ab.mycloob.com)).

۲. ایجاد امید و نشاط، پس از بیم و انداز؛ مثلاً اگر در ابتدای سخن بحث از خشیت الهی و ترس از خداوند مطرح و به مخاطب بیم داده شود، و در پایان سخن، پس از ایجاد ترس نسبت به عذاب الهی، نکات امیدبخش، مخصوصاً مقوله شفاعت بیان گردد، مخاطب امیدوار شده و به نشاط معنوی می‌رسد، و با خاطره خوش از جلسه خارج می‌شود. حال اگر عکس این چینش صورت گیرد؛ یعنی در ابتدا مخاطب را به رحمت و محبت الهی امیدوار کرده و سپس در پایان سخن، او را از عذاب الهی بترسانیم، خاطره خوشی از جلسه در ذهن او باقی نمی‌ماند.

۳. معرفی ملجأ و پناهگاه پس از آشنایی مخاطب با بی‌کسی، بی‌پناهی و تنهایی؛ مثلاً → چنانچه بحث ما درباره قیامت و هول و هراسها و تنهاییهای قبر و قیامت و... است، می‌توانیم در پایان سخن، یک نشاط قوی ایجاد کنیم که در آن شرایط حساس، اهل بیت علیهم‌السلام می‌توانند پناه انسان باشند. طرح چنین مطلبی که حقیقت نیز هست، می‌تواند مخاطب را در اوج احساس قرار دهد.

۴. نوید یسر و آسانی پس از سختی و مشکلات؛ مثلاً اگر سخن ما درباره آخر الزمان و مشکلات و گرفتاریهای بشر در این دوران است، می‌توانیم در پایان سخن، با نوید آمدن حضرت مهدی علیه‌السلام و رفع مشکلات در دولت مهدوی، اوج احساس نشاط و شادابی معنوی را در مخاطب ایجاد کنیم.

۵. بیان جلوه‌های رحمت و محبت اهل بیت علیهم‌السلام؛ موضوع سخن هر چه باشد، می‌توان به نوعی آن را در پایان به اهل بیت عصمت و طهارت ربط داد و جلوه‌هایی از رحمت و محبت آنان نسبت به تمام مردم، مخصوصاً محبتین و علاقمندان در قیامت را بیان کرد. روایات و داستانهای تاریخی واقعی در این



زمینه فراوان است و مخاطب را در اوج احساس و عشق به اهل بیت علیهم السلام قرار می‌دهد.

به عنوان نمونه:

جابر بن عبد الله انصاری می‌گوید: به حضرت باقر علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، یابن رسول الله برای من حدیثی در فضیلت جدّهات فاطمه زهرا علیها السلام بفرمایید تا هنگامی که آن را برای شیعیان بیان می‌کنم خوشحال گردند. امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم و او از جدّم، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرمود که: در روز قیامت برای انبیاء و رسل منبرهایی از نور برپا می‌شود و منبر من در روز قیامت از همه بلندتر است. آنگاه خداوند می‌فرماید: خطبه بخوان، پس خطبه‌ای بخوانم که احدی از انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده است. پس برای اوصیاء نیز منبرهایی از نور برافراشته می‌شود و در میان آنها منبری برای وصی من علی بن ابی طالب نصب می‌گردد که از همه بلندتر است؛ آنگاه خداوند به علی علیه السلام می‌فرماید خطبه بخوان، پس خطبه‌ای می‌خواند که احدی از اوصیاء مانند آن نشنیده است.

آنگاه برای فرزندان انبیاء و رسل منبرهایی از نور نصب می‌گردد، پس برای دو فرزند و نوه و دو ریحانه ایام حیاتم (حسنین علیهما السلام) منبری برپا می‌شود و به آنان گفته می‌شود خطبه بخوانید و آن دو خطبه‌هایی می‌خوانند که هیچ یک از فرزندان انبیاء و رسل مانند آن را نشنیده‌اند.

آنگاه منادی که جبرئیل است ندا می‌دهد: فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله کجاست؟ آنگاه فاطمه علیها السلام برمی‌خیزد، [تا اینکه فرمود:] خدای تعالی می‌فرماید: ای اهل محشر کرامت و بزرگواری از آن کیست؟ محمد و علی و حسنین علیهم السلام عرض می‌کنند: برای خدای واحد قهار. آنگاه خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر! من امروز کرامت و بزرگی را برای محمد و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام قرار دادم.

ای اهل محشر! سرها را پایین افکنده و چشمها را ببندید، این فاطمه است که به سوی بهشت می‌رود. در این هنگام جبرئیل شتر بهشتی می‌آورد، در حالی که دو طرفش را دیباج آویزان کرده‌اند، و مهار آن از لؤلؤ تازه است. حضرت بر آن سوار می‌شوند و خدای متعال صد هزار فرشته را در طرف راست و صد هزار فرشته در سمت چپ وی می‌فرستد، و صد هزار فرشته را مأمور می‌فرماید تا حضرت فاطمه علیها السلام را بر روی بالهای خود سوار کنند و ایشان را به در بهشت برسانند. وقتی که به در بهشت می‌رسند، حضرتش می‌ایستد، خدای متعال می‌فرماید: ای دخت حبیب من چرا توقف کردی و حال آنکه به تو امر کرده بودم به بهشت من درآیی؟ حضرت صدیقه علیها السلام عرض می‌کند: پروردگارا دوست می‌دارم که ارزش و قدر و قیمت من در مثل چنین روزی شناخته شود.

خداوند می‌فرماید: «يَا بِنْتَ حَبِيبِي! اِرْجِعِي فَاَنْظُرِي مَنْ كَانَ فِي قَلْبِهِ حُبٌّ لَكَ اَوْ لِحَدِّ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ خُدْيَ يَدِيهِ فَاَدْخُلِيهِ الْجَنَّةَ! ای دختر حبیب من! برگرد و بنگر هر که در قلبش محبت تو و یا محبت یکی از فرزندان تو باشد، دستش را بگیر و او را داخل بهشت نما.»

آنگاه حضرت باقر علیه السلام فرمود: واللّٰه ای جابرا در آن روز حضرت زهرا علیها السلام شیعیان و دوستانش را برمی‌گزیند و انتخاب می‌کند؛ همان‌گونه که پرنده دانه نیکو را از دانه بد جدا می‌کند. وقتی که شیعیان سیده زنان دو عالم به آن بزرگوار نزدیک و بر در بهشت می‌آیند، خدای تعالی در قلب آنان چنین می‌افکند که در آنجا بایستند. وقتی می‌ایستند خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! توقف شما برای چیست و حال آنکه فاطمه دخت حبیب من شفاعت شما را نموده است؟ پاسخ دهند: پروردگارا ما دوست داریم که در چنین روزی ارزش و منزلتمان شناخته شود. خداوند می‌فرماید: ای دوستان من! برگردید و ببینید چه کسی به خاطر آنکه

شما فاطمه را دوست می‌داشتید، شما را دوست می‌داشت؟ چه کسی به شما به خاطر دوستی فاطمه زهرا علیها السلام غذا داد؟ چه کسی شما را به خاطر دوست داشتن فاطمه علیها السلام لباس پوشانید؟ چه کسی به شما بخاطر دوستی فاطمه علیها السلام شربتی نوشانید؟ چه کسی بخاطر فاطمه علیها السلام و دوستی فاطمه علیها السلام غیبت‌کننده‌ای را از شما رد کرد؟ پس دستش را بگیرید و او را وارد بهشت نمایید.<sup>۱</sup>

۶. مناجات؛ می‌توان در پایان بحث، قطعاتی از مناجات و گفتگو با خداوند، امام زمان علیه السلام و اهل بیت علیهم السلام و یا شهدا را مطرح کرد. چنانچه این مناجات و گفتگو با حس و حال معنوی و متناسب با فضای بحث باشد، در مخاطب احساس ایجاد می‌کند.

در تمام راههای مقدمه‌سازی برای ایجاد نقطه اوج در قسمتهای پایانی متن سخنرانی، می‌توان با آوردن قصه‌های مناسب و استفاده از هنر بیان داستان، به تحریک احساس قوی پرداخت.

#### پرسشنامه:

۱. مراد از نقطه اوج چیست و چه جایگاهی در سخنرانی دینی دارد؟
۲. فواید و کارکردهای نقطه اوج را بنویسید.
۳. اجزاء نقطه اوج کدامند؟
۴. در قسمتهای پایانی متن سخنرانی، از چه راههایی می‌توان برای ایجاد اوج در تأثیرگذاری احساسی اقدام کرد؟ توضیح دهید.

۱۰. بحار الانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۸، ص ۵۱.

## پژوهش کنید

پنج نکته بدیع و بکر برای انتهای بحث از پنج موضوع انتخاب کنید که در ایجاد اوج تأثیرگذاری احساسی پایان سخنرانی مناسب باشند. این نکته‌ها را در فیش تبلیغ بنویسید.

## درس نوزدهم

## اهداف این درس

۱. آشنایی با تعریف، فواید، شرایط و نمونه گریز؛
۲. توضیح نمودارها و صورتهای اوج تأثیرگذاری.

## اشاره

در درس گذشته، از نقطه اوج به عنوان پنجمین جزء سخنرانی دینی بحث کردیم و پس از تعریف و بیان فواید و اجزاء نقطه اوج، اولین جزء آن را که «قسمتهای پایانی متن سخنرانی» است توضیح دادیم. اینک دو جزء دیگر نقطه اوج که «گریز» و «ذکر مصیبت» هستند را توضیح داده و سپس نمودارهای اوج را بررسی می‌کنیم و آنگاه به آخرین جزء سخنرانی دینی؛ یعنی «دعا» اشاره‌ای خواهیم داشت.

## ب. گریز

پس از تحریک مخاطب در قسمتهای پایانی متن سخنرانی و آماده‌سازی جلسه برای ایجاد اوج اثرگذاری، در بخش گریز به ذکر مصیبت، اوج رسانی را شدت می‌بخشیم.

## تعریف گریز

گریز در پایان سخنرانی عبارتست از: «قطعه‌ای از سخنرانی که به واسطه آن

متن سخنرانی را به ذکر مصیبت گره می‌زنیم.»

گریز ممکن است در قالبهای مختلفی مثل خاطره، حکایت، مناجات، شعر و... صورت گیرد.

این تعریف مربوط به گریز به ذکر مصیبت است که یک اصطلاح رایج در میان متخصصین فن خطابه می‌باشد. گریز، انواع دیگری نیز دارد که در ابتدا یا وسط سخنرانی اجرا می‌شود. مثلاً گریز در میانه سخن عبارت است از: «خروج از روند طبیعی بحث و پیوند آن با حوادث، افعال، افکار و... موجود و مورد نظر، با حفظ تناسب به منظور کاربردی کردن بحث، رفع خستگی، و ایجاد نشاط بیشتر برای پی‌گیری و ادامه بحث.» این نوع گریز دارای شرایط، کارکردها و فوایدی است که در سطوح تخصصی‌تر توضیح داده می‌شود و الآن مورد بحث ما نیست. آنچه هم اینک از آن بحث می‌کنیم، گریز در پایان سخنرانی برای اتصال بین «متن سخنرانی» و «ذکر مصیبت» است.

#### فواید گریز

گریز دارای آثار و فواید زیر است؛ از اینرو لازم است حتی المقدور در سخنرانی تعبیه و پیاده شود.

۱. پیوند بحث با ذکر مصیبت؛
۲. طبیعی جلوه دادن اجرای ذکر مصیبت؛
۳. ایجاد زمینه برای تحریک بیش‌تر احساس مخاطب در ذکر مصیبت؛
۴. ایجاد فرصت برای سخنران جهت آمادگی روانی برای اجرای ذکر مصیبت؛
۵. کم کردن فشار عصبی و روانی سخنران، هنگام اجرای ذکر مصیبت.

#### شرایط گریز

در انتخاب و اجرای قطعه گریز باید شرایط زیر را رعایت کرد:

۱. کوتاه بودن؛ اگر طولانی باشد مخاطب را خسته کرده و به اوج‌رسانی خدشه وارد می‌شود.

۲. گویا بودن؛ چنانچه قابل فهم و روشن نباشد، مخاطبان متوجه نمی‌شوند و زمینه تحریک احساس از بین می‌رود. تحریک احساس پس از فهم مطلب صورت می‌گیرد.

۳. به هنگام بودن؛ یعنی باید پس از بخش پایانی متن سخنرانی و قبل از ذکر مصیبت جاسازی شود، و آلا اگر زودتر از موعد مقرر گریز زده شود؛ به گونه‌ای که بعد از آن احساس مخاطب سرد گردد، خاصیت خود را از دست می‌دهد.

گاهی بعضی از مخاطبان، چنین زمینه‌ای را برای سخنران فراهم می‌کنند و با بروز احساسات زود هنگام خود، او را مجبور می‌سازند که زودتر از زمان معین، گریز بزند و این موجب به هم خوردن چینش مطالب و نرسیدن به هدف سخنرانی است.

۴. تداعی نمایی؛ به این معنا که نباید مخاطب احساس کند سخنران این قطعه را از قبل برای گریز انتخاب کرده بوده است؛ بلکه باید احساس او چنین باشد که الآن این نکته به ذهن گوینده تداعی شده است؛ یعنی نمایش ظاهری سخن به گونه‌ای است که چنین تصویری در ذهن مخاطب نقش می‌بندد؛ مثلاً سخنران می‌گوید: به نظر می‌رسد که اگر چنین چیزی گفته شود خیلی خوب است. دقت کنیم که منظور از چنین نمایشی این نیست که سخنران دروغ بگوید؛ بلکه مطلب را به گونه‌ای می‌گوید که تداعی نمایی می‌کند.

۵. تغییر صدا و لحن؛ هم میزان صدا و هم لحن سخن با توجه به موضوع و محتوای ذکر مصیبت، در هنگام گریز عوض می‌شود. لحن، بستر و زمینه‌ای برای بازی با صدا و جریان صدا است. نوع بازی با صدا در یک لحن، با نوع این بازی

در لحن دیگر تفاوت دارد؛ مثلاً لحن حماسی صدای بلندتری را می‌طلبد و لحن عاطفی مقتضی صدای پایین‌تری است. اوج و فرودهای لحن عاطفی با اوج و فرودهای لحن حماسی متفاوت است؛ همان گونه که جمله بندیها و محتوای استفاده شده در آنها تفاوت دارد، و البته مشترکاتی نیز دارند.

در ذکر مصیبت معمولاً از لحن عاطفی یا حماسی استفاده می‌شود. اگر بخواهیم مظلومیت اهل بیت علیهم‌السلام را ترسیم کنیم، لحن عاطفی مناسب است، و اگر بخواهیم بُعد حماسی آنان را توصیف کنیم، باید از لحن حماسی بهره بگیریم.

۶. رعایت تناسب در بروز احساس؛ به این معنا که بروز احساس در گریز باید بیش‌تر از قطعه پایانی متن سخنرانی و کم‌تر از ذکر مصیبت باشد تا «به اوج‌رسانی احساس»، به صورت طبیعی صورت گیرد.

۷. رعایت سرعت و فرصت مناسب؛<sup>۱</sup>

۸. تمرکز بخشی به اندیشه مخاطب؛ از آنجا که در گریز معمولاً به نکات لطیفی توجه می‌شود که ناشی از دقت و توجه فراوان سخنران است، تمرکز بخشیدن به اندیشه مخاطب جهت دقت بیش‌تر در مضمون گریز لازم است.

نمونه گریز

اگر در موضوع «عدالت اجتماعی» یا «حقوق اقلیتها» سخنرانی می‌کنیم و می‌خواهیم در پایان سخن، روضه حضرت زهرا علیها‌السلام را بخوانیم، می‌توان قطعه زیر را به عنوان گریز ارائه کرد.

در نهج البلاغه آمده است که امام علی علیه‌السلام فرمودند: به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زنی مسلمان و زنی غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلامی بوده وارد شده، و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های آنها را به

۱. در مبحث کیفیت اجرای سخنرانی، از «سرعت و فرصت» بحث می‌شود.

غارت برده، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن نداشته‌اند.

لشکریان شام با غنیمت فراوان رفتند، بدون اینکه حتی یک نفر آنان زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است.<sup>۱</sup>

یکی از این زنان، یهودی بوده است، نسبتی هم با پیامبر خدا نداشته است، سربازان معاویه هم او را زدند، پیرزنی هم پیش نبوده است، بگم؟ در کوچه بنی هاشم نبوده است، فرزند رسول خدا نبوده، در مقابل چشم فرزندانش هم نبوده و... (ذکر مصیبت حضرت زهرا علیها السلام).

### ج. ذکر مصیبت

آخرین قسمت از نقطه اوج (حسن ختام) در سخنرانی، ذکر مصیبت است. ذکر مصیبت، خود دارای اصول، ارکان، شرایط و نکته‌های فراوانی است، و به دلیل اینکه به صورت جداگانه و با عنوان فن رثاء تدریس می‌شود، در اینجا از آن بحث نمی‌کنیم.

### نمودارهای اوج

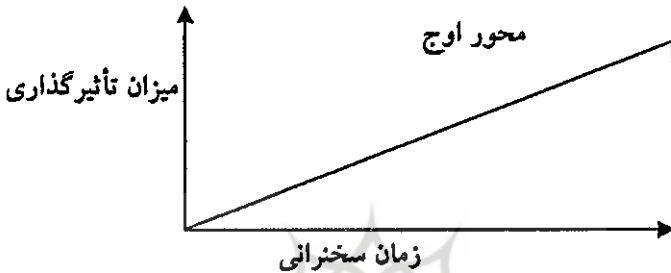
چنانکه قبلاً نیز اشاره شد، در یک سخنرانی ممکن است یک یا چند نقطه اوج وجود داشته باشد که قوی‌ترین و بزرگ‌ترین آن در پایان سخنرانی است و به عنوان یک جزء از اجزاء سخن محسوب می‌شود. بعضی از صورتهای نقطه اوج، در سخنرانی، مطلوب و برخی نامطلوب هستند که در ذیل به نمونه‌هایی از آنها اشاره می‌کنیم و بحث عمیق‌تر نمودارهای اوج را به متون تخصصی‌تر حواله می‌دهیم.

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۲۷.



## الف. صورتهای مطلوب

۱. یکی از صورتهای مطلوب نقطه اوج این است که تأثیرگذاری احساسی بر مخاطب از ابتدای سخن با یک شیب ملایم شروع و در پایان سخن به نهایت اوج خود برسد. البته چون در پایان سخنرانی، دعا نیز خواهیم کرد، در حین دعا اندکی از اوج پایین می‌آییم. پس شکل مطلوب نموداری اوج چنین خواهد شد.

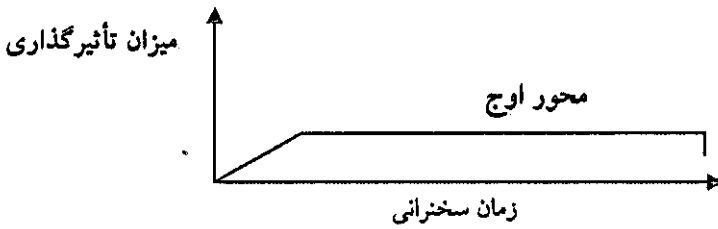


۲. صورت دیگر برای اوج مطلوب این است که سخنرانی دارای چند نقطه اوج بوده؛ ولی نقطه اوج نهایی، بلندترین و اثرگذارترین نقطه تحریک احساس باشد. شکل نموداری اوج در این گونه سخنرانیها را به صورتهای مختلفی می‌توان ترسیم کرد. مثل نمونه زیر:



## ب. صورتهای نامطلوب

۱. یکی از صورتهای نامطلوب اوج این است که سخنرانی اصلاً نقطه اوج نداشته و یا تأثیرگذاری بسیار ضعیف باشد؛ مثل این نمودار:



۲. صورت دیگر از صور نامطلوب اوج این است که سخنرانی در پایان، فاقد نقطه اوج تأثیرگذاری احساسی باشد. مثل این نمودار:



۳. وجود اوجهای کوچک و عدم وجود نقطه اوج بلند در پایان سخنرانی نیز نامطلوب است.



نکته‌های قابل توجه

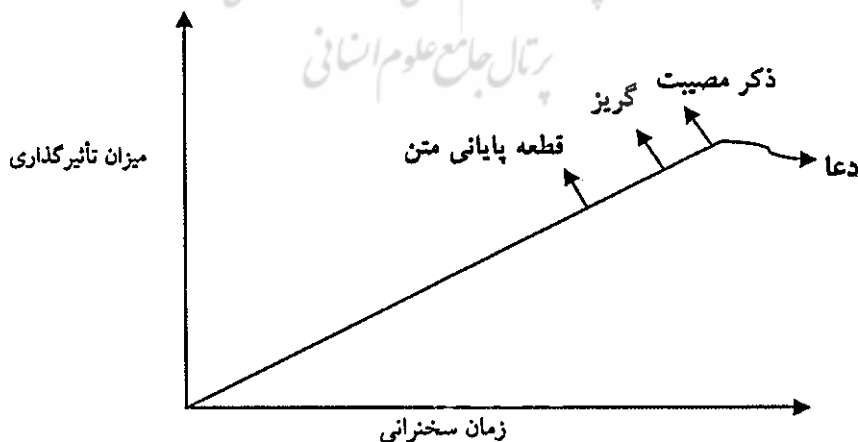
در پایان، توجه خوانندگان گرامی را به نکته‌های زیر جلب می‌کنیم:

۱. ممکن است در یک سخنرانی «قسمتهای پایانی متن» برای تأثیرگذاری بیش‌تر و نیز «گریز» وجود نداشته باشد؛ ولی ذکر مصیبت بسیار قوی برگزار گردد و نقطه اوج به خوبی محقق شود. در این صورت گرچه سخنرانی نقطه اوج دارد؛ ولی کمال آن به این است که هر سه بخش ایجاد کننده نقطه اوج را داشته باشد، تا اوج به صورت طبیعی و قوی‌تر ایجاد شود.

۲. نقطه اوج در تأثیرگذاری احساسی، منحصر به حس خاصی نیست. معمولاً در ذکر مصیبت، حس محبت به اهل بیت علیهم السلام و یا ندامت و افسوس و یا رأفت و رقت را تحریک می‌کنیم. در هر صورت هماهنگی بین احساساتی که مد نظر قرار می‌دهیم در سه بخش نقطه اوج؛ یعنی قسمت پایانی متن، گریز و ذکر مصیبت مناسب‌تر است؛ مثلاً اگر در قسمت پایانی متن، حس امید را هدف‌گیری کرده‌ایم، در گریز و ذکر مصیبت هم به همان حس توجه می‌کنیم.

۳. معمولاً برای به اوج رسانی احساس در پایان سخنرانی دینی، سه قسمت یاد شده اثر دارد، و آلا در مواقعی که لازم است مثلاً سخنرانی با اوج خنده مخاطب پایان یابد، جای ذکر مصیبت نیست و به جای آن باید قطعه مناسب حس شادی و خنده جایگزین شود.

۴. بین اجزاء نقطه اوج (بخش پایانی متن، گریز و ذکر مصیبت) نیز باید شیب ملایم اوج‌گیری در نظر گرفته شود و هر چه جلوتر می‌رویم اثرگذاری بیش‌تر گردد. در غیر این صورت، سخنرانی در اوج اثرگذاری احساسی قطع نخواهد شد. نمودار مناسب اجزاء نقطه اوج چنین است:



## ۶. دعا

در پایان سخنرانی، پس از به اوج رسانی احساس مخاطب و تأثیرگذاری مطلوب در این قسمت، دست به دعا بر می‌داریم و در حضور مؤمنان از خدای بزرگ حوائج خود و مؤمنان را می‌خواهیم. شایسته است در دعای پایان سخنرانی اولین دعای ما برای حضرت بقیة الله الاعظم ارواحنا فدا باشد که مورد تأکید بزرگان دین است. دعاها متناسب با مطالب ارائه شده در سخنرانی بوده، حوائج مخاطبان در نظر گرفته شود و متناسب با خواسته‌ها و مشکلات آنان دعاهایی مطرح گردد. همچنین مسائل اساسی جهان اسلام و مسلمانان مورد توجه جدی قرار گیرد.

## پرسشنامه

۱. گریز را تعریف کرده و قدری درباره آن توضیح دهید.
۲. آثار و فواید گریز را بیان کنید.
۳. در انتخاب و اجرای قطعه گریز چه شرایطی را باید رعایت کرد؟
۴. صورتهای مطلوب نقطه اوج کدامند؟ توضیح دهید.
۵. سه مورد از صورتهای نامطلوب نقطه اوج را بیان کنید.

## تمرین

پنج نمونه گریز متناسب با موضوعات و ذکر مصیبت‌های خاص، انتخاب و در فیش تبلیغی بنویسید. این قطعات را در کلاس درس اجرا کرده و یکدیگر را نقد کنید.